



کتاب

اهداف کلان طرح تحول مالیاتی

طرح اهداف اساسی را در تغییر نظام اجرایی مالیات دنبال می کرد. اولین هدفش این بود که سیستم مالیاتی کشور یکپارچه شود. یعنی هر فرد بتواند از هر نقطه کشور به سیستم مالیاتی وارد شود و از طرف دیگر از لحاظ درونی سازمان نیز، سطح دسترسی به اطلاعات مانند سیستم شتاب بانکی هوشمند شود. دومین هدف این بود که ساختار آن وظیفه‌ای شود. در روش قبلی یک حوزه مالیاتی به عنوان پیمانانه همه کارها را خودش انجام می داد، ولی قرار بود که با یکپارچگی و هوشمند شدن آن وظایف نیز تخصصی شود.

از لحاظ عملیاتی نیز با اجرای طرح قرار بود تسلیم اظهارنامه الکترونیکی شود، امضای الکترونیکی اخذ شود و همه مراودات، اعتراض‌ها، پیگیری‌ها و اعلام مراجعات به صورت الکترونیکی و سامانه باشد. لذا تمام ارتباطات با مؤدی به صورت غیرحضوری باشد.

اگر ارتباط حضوری نیز وجود داشته باشد باجه‌ای برای خدمات مؤدیان تعریف شود که پشت باجه اپراتوری که از طرف سیستم هدایت می شود قرار بگیرد. در این شرایط قرار بود پرونده‌های مالیاتی از تملک حوزه‌های مالیاتی خارج شده و به مالکیت سازمان درآیند.

در این صورت سازمان پرونده‌ها را بر اساس میزان ریسک طبقه‌بندی کند و در مورد مؤدیان با ریسک بالاتر بررسی بیشتری صورت پذیرد.



چرا سهم مالیات از درآمدهای دولت پایین است؟

در اینکه چرا سهم مالیات در GDP کشور پایین است، دلایل زیادی وجود دارد؛ برآورد آن زمان ما نشان می داد برای اینکه مالیات بتواند منبع اصلی درآمدهای دولت شود، باید سهم آن در GDP به ۱۵ درصد برسد

در شماره قبل «ایران اقتصادی»، بررسی بخش نخست کتاب «درس‌هایی از هدفمندی یارانه‌ها» را آغاز و جزئیات آن را منتشر کردیم. این کتاب به اجرای طرح تحول اقتصادی در زمان فعالیت دولت‌های نهم و دهم می پردازد و چگونگی برنامه‌ریزی برای پرداخت یارانه‌ها را نیز تشریح کرده است. نویسنده کتاب در گفت‌وگو با محمدرضا فرزین، دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها در دولت محمود احمدی‌نژاد، مباحث گوناگونی را در خصوص نحوه اجرایی شدن هدفمندی یارانه‌ها مطرح کرده است. در شماره امروز نیز توضیحاتی پیرامون طرح تحول مالیاتی ارائه شده است.

کتاب

رئیس شورای عالی مالیاتی و آقایان تقی‌نژاد عمران و ماهرو به عنوان صاحب‌نظران حوزه صنعت و بنگاه‌های اقتصادی، غلامرضا سلامی به عنوان صاحب‌نظر و آقای کاظمی نماینده سازمان حسابرسی و آقای محمدی حسینه که حقوقدان بودند در این جلسات حضور داشتند.

■ **محورهای اصلی طرح تحول مالیاتی توسط این کمیته تعیین شد یا اینکه در جلسات طرح تحول با رئیس جمهور این اتفاق صورت گرفت؟** ممکن است این محورها را توضیح دهید.

■ **اعضای این کارگروه چه کسانی بودند؟**

این کارگروه با مسئولیت من تشکیل می شد و آقای محمد پاریزی که آن زمان قائم مقام طرح تحول مالیاتی من در معاونت اقتصادی وزارتخانه بود از اعضای کارگروه بود و بار اصلی کار بر دوش وی بود. آقای پناهی که آن زمان معاون ارزش افزوده سازمان مالیاتی بود به همراه آقای زمانی از سازمان مالیاتی به این جلسات دعوت می شدند.

صاحب‌نظران بیرون از دولت هم آقایان جمشید پژویان و علی طیب‌نیا بودند. آقای طاری بخش

اصلاحات پیگیری پروژه‌های طرح تحول مالیاتی بود که در آن سال‌ها توسط سازمان امور مالیاتی و در رأس آن علی عسکری و معاونان وی صورت می پذیرفت. اما حوزه بعدی اصلاحات مالیاتی، موضوع تهیه لایحه اصلاح نظام مالیاتی بود که در دبیرخانه یعنی معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد صورت می گرفت. برای انجام این موضوع تخصصی و با اهمیت، کارگروهی متشکل از افراد متخصص مالیاتی کشور و افراد حاضر در دولت تشکیل شد و با برگزاری جلسات مستمر آن لایحه نهایی و به دولت پیشنهاد شد.

■ **قبل از پرداختن به بحث هدفمندی، عنوان شد یکی از محورهای طرح تحول اقتصادی محور مالیات بود. در سال ۱۳۹۰ لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم را ارائه کردید که تصویب نشد. آسیب شناسی دولت و محورهای اصلی اصلاح مالیات در ایران چه بود؟**

اصلاح نظام مالیاتی کشور اهمیت کمتری از یارانه‌ها نداشت. لذا بخش عمده‌ای از تلاش دبیرخانه و در مجموع وزارت اقتصاد بر طرح‌های اصلاحی این حوزه متمرکز شد. یکی از بخش‌های مهم این

مباحث اولیه و دیدگاه‌های کلان در کارگروه اصلی مطرح شده بود. یعنی آسیب شناسی نظام مالیاتی کشور را تهیه کرده بودیم و در جلسات کارگروه اصلی در خصوص کلیات بحث شده بود، اما تهیه محورهای اصلی وظیفه این کمیته تخصصی بود. در سال ۸۹ تقریباً ۵۰ درصد هزینه‌های دولت از طریق مالیات تأمین می شد. یعنی در آن سال‌ها نفت همچنان نقش اساسی در تأمین مالی دولت داشت. طی سال‌های ۸۸-۸۱ متوسط سهم در آمد مالیاتی در GDP حدود ۸ درصد بود. خب این سهم بسیار کم بود و با این وضعیت دولت نمی توانست از نفت رهایی یابد. چرا که اگر خودمان را با ترکیه مقایسه می کردیم این رقم در ترکیه حدود ۶/۱۸ درصد بود و حتی بسیاری از کشورهای نفتی هم سهم بهتری از ما داشتند. اما مسأله بدتر از آن، سهم هر یک از اجزای درآمد مالیاتی در کل درآمدهای دولت بود که وضعیت بسیار نامناسبی بود. برای مثال طی سال‌های ۸۸-۸۶ سهم مالیات مشاغل در درآمد مالیاتی تنها ۵/۴ درصد بود اما مالیات بر حقوق ۷/۷ درصد بود یعنی کارمندان و حقوق بگیرها بیشتر از کسبه و بازاری‌ها مالیات می دادند. از طرف دیگر نزدیک به ۳۸ درصد مالیات‌ها نیز متعلق به مالیات بر نفت و شرکت‌های دولتی بود.

البته بیان این نکته ضروری است که وقتی می‌گوییم سهم مالیات در مخارج دولت یا سهم آن در «جی دی پی» کم است ممکن است